انترناسیونال ۷۲۰

سعید مدانلو

**نمایش مضحک نصب لوح "منشور کورش" در لس آنجلس**

تلاش چندین ساله ناسیونالیسم ایرانی و محافل ساده لوح آن در لس آنجلس و حمایت محافل دست راستی آمریکا از آنها، بلاخره ثمر داد و به نصب کپی لوح بابلی موسوم به "منشور کوروش" در روز چهارم جولای سال جاری در شهر سنچری سیتی، منجر شد.

سالهاست که سیاست محافل متعدد سرمایه داری آمریکا تقویت تمایلات ناسیونالیستی در میان اپوزسیون راست خارج کشور و محافل ناراضی حکومت، بویژه ناراضیان نظامی آن بوده اند. در سودای شکل دهی به یک آلترناتیو جایگزین حکومت اسلامی، تلاش می کنند اپوزسیون راست را زیر لوای ناسیونالیسم ایرانی با بخش های ناراضی حکومت نزدیک و بهم جوش دهند. سناریو مورد نظر اینها برپایی دوره ای از هرج و مرج و نهایتا انجام یک کودتاست. در این سناریو، بخشی از حکومت که دیگر چندان بدنبال نجات "دین مردم" نیست، و پاسدار و فرمانده اش "تروریست و آدمکش" نیستند، ناجی مملکت از هرج و مرج و قهرمانان حفظ مرزهای آن از خطر تجزیه، خواهند بود. "منشور کوروش" قرار است در خدمت این سیاست قرار گیرد.

**زیر عَلَم "منشور کورش "از احمدی نژد تا ناسیونالیست های مقیم لس آنجلس**

مسخره بازیها احمدی نژاد و مشائی با "منشور کورش" نیز دقیقاً با همین هدف و به منظور جلب توجه و کسب حمایت محافل راست ایرانی و محافل سرمایه داری در غرب و بویژه در آمریکا، صورت میگرفت. نصب کپی "منشور کورش" ادامه همان سیاستی است که احمدی نژاد و مشائی پرچمداران آن بودند. حالا، گویا احمدی نژاد و امام زمان حالشان خوب نیست و همه کار افتاده بعهده "طفلک کورش کبیر" و ناسیونالیست های مقیم لس آنجلس.

"کورش کبیر" قرار است محور ایدئولوژیک و اتحاد ناسیونالیسم ایرانی بشود و بخشهای وسیعی از اپوزیسون جمهوری اسلامی تا ارگانهای متعدد سیاسی و نظامی درون رژیم را با همدیگر روی یک خط سیاسی بخط کند.

برنامه ریزان این شعبده بازی سیاسی - و البته خیلی هم "حقوق بشری"- ادعا می کنند که محتوای آنچه که در لوح بازمانده از زمان فرمانروایی کوروش - بزبان بابلی- ثبت شده است، "محور اتّحاد خرد و کلان ایرانیان و پولدارترین خارجیان" است، و نه صرفا نام کوروش.

**حالا ببینیم لوح بابلی منشور حقوق بشر کوروش چیست؟**

لوح بابلی که به غلط "منشور حقوق بشر کورش" نام گرفته است، توسط کاهنان مردوکی بابل ساخته و پرداخته شده است و تهیه آن ربطی به شخص کورش ندارد. این لوح که شکستگیهایی هم در آن وجود دارد در سی و نه سطرنگاشته شده است. نوزده سطر اول آن در معرفی و ستایش مردوک بت اعظم بابل است. در سطور بعدی، کاهنان بنحوی که گویا کورش سخن می گوید، او را معرفی میکنند. به هر حال در برخی از این سطور که کاهنان نگاشته اند، کوروش خود و برخی اقداماتش را معرفی میکند. در بیشتر سطوری که کورش خود را معرفی می کند، او عبد و عبید، زار و ذلیل و کمربستهٔ مردوک خدای بابل است و در پی بدست آوردن دل این بت اعظم. او در این سطور هدف دیگری که بویژه، ربطی به "حقوق بشر" داشته باشد را، دنبال نمیکند!

جا دارد اشاره شود که در تورات هم از کورش تمجید شده است. تورات از او بعنوان ناجی و فرستاده یهوه نام می برد. به این ترتیب، تورات حرمت بیشتری برای کورش قائل شده و مانند مردوک بت اعظم بابل، او را علیل و ذلیل خود نکرده است. با این حال، نه تورات و نه لوح کاهنان مردوکی کوروش را بدرستی معرفی نمی کنند و هیچگونه ربطی به افکار و اعتقادات او ندارند. در این مورد می توان بحث مستقلی داشت.

بنابراین، چسباندن حقوق بشر به کوروش و دادار دودور برای "منشور حقوق بشر کوروش"، اگر از روی فریبکاری نباشد، از روی نادانی و بی اطلاعی از آنچه بر لوح نگاشته شده است، هست.

و باید اضافه کرد که حقوق بشر انسان امروز را باید از آخرین دستاورهای بشر در همه جوامع و در همه سطوح آن درک و طرح کرد. به این معنی، چسبیدن به کوروش و منشور منتسب به او، مفری برای فرار همه راست ها از حقوق بشر در قرن بیست و یکم است.

**مردوک کیست؟**

شاید شما، فیلم "ده فرمان" را دیده اید. در صحنه ای از فیلم، موسی با الواحی که در دست دارد از کوه سرازیر میشود و به سمت شهر می رود. مردم که مشغول پرستش گوساله طلایی هستند به او و الواحی که در دست دارد، توجهی نمیکنند. این گوساله طلایی در تورات، گوساله سامری (سومری) نامیده می شود. گوساله سامری همان مردوک است که در بارگاه اِنلیل خدای سومری پیش از خود متولد شد و به شکل گوساله در روی زمین ظهور کرد و با حضور ممتد در زمین و ممارست با انسان، رفته رفته بصورت نیمه انسان - نیمه گوساله درآمد.

بعدها که عبریها از مردوک دست کشیدند و شروع به پرستش "یهوه" مصری کردند، بخت النصر (نام دیگر وی نبوکد نسار است که فرمانروای قدرتمند بابل بود و خودش را نظر کرده مردوک میدانست) به جرم ارتداد از مردوک، به جنوب اردن و نواحی شمال خلیج عقبه حمله کرد و حدود سی هزار و بقولی شصت هزار نفر از این مردم را به اسارت گرفت و برای بیگاری آنها را به بابل آورد.

**ساده لوح یا فریبکار!**

مسخره است. فقط یک ساده لوح که در تاریخ کند و کاوی نکرده است و انباشته از تعصب و پیشداوری ایدولوژیک و تا حدی کودکانه است، می تواند باور کند که کورش مردمی را آزاد کرد که درقید اسارت مردوک بودند. و فقط یک فریبکار می تواند "منشورکورشِ" را که تماماً در ستایش از مردوک و نیاش بدرگاه اوست، سند حقوق بشر بنامد.

برپا دارندگان بساط "منشور کورش" خودشان را دست انداخته اند. آیا واقعاً این اعجوبه ها زحمت خواندن محتوای لوح را - که در اینترنت هم قابل دسترس است-، بخود نداده اند تا معنی نگاشته های لوح را خود، مستقلا درک کنند!؟ شندیده ایم که کتاب خواندن و مطالعه نزد ما ایرانیان جایگاه ضعیفی دارد اما، انتظار نداشتیم که پیشقراوالان یک حرکت سیاسی، تا این حد به کنکاش و جستجو در مورد باورهای پایه ای خود راغب نباشند. دریغ!

شاید انتظار تعقل، تحقیق و تجسس در مورد مضمون لوح بابلی منشور کوروش از ناسیونالیسم، بجا نباشد. چه بسا هم، بعضا سران و پیشاهنگان شان به موضوع واقف باشند اما، برای اتحاد صفوف ناسیونالیسم ایرانی، در کار فریب دیگرانند.

در یک نمایش خودستایی ملی اما پوچ، که تهی از واقعیت تاریخی هم باشد، جایی برای تعقل نیست. با تامین دو میلیون و نیم دلار، بعلاوه قدری زرق و برق و هیاهو، بلاخره زیارتنامه مردوک، بت اعظم بابل وسط میدان سنچری سیتی در لس آنجلس نصب شد. حالا ناسیونالیسم مشنگ ایرانی سمبل و قبله ای دارد که آنجا می تواند زیر "شکوه مردوک" کلّی "غرور آفرین" لذت ببرد!